هفته نامهٔ

مجاهد

وآنان که در راه ما با جان و مال جهاد کردند محققاً آنان را به راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است

قرآن کریم

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان



ژوندي ملتونه، له خپلو تولو ویاړونو دفاع کوي.

د شهید مشر له ویناوو څخه

دور ششم –سال سیزدهم – شمارهٔ یازدهم ۳۱ جوزای ۱۳۹۳ ۲۲ شعبان المعظم ۱۴۳۵ 21 June 2014



پیام صلاح الدین ربانی رئیس جمعیت اسلامی افغانستان، در پیوند به تقلب های مهندسی شده در امور انتخابات

تقلب گستردهٔ مهندسی شده، پیروزی ۲۴ جوزا را به یأس و نا امیدی بدل کرد.

مردم افغانستان با شوق و حماسهٔ فراون به پای صندوق های رأی رفتند، تا از طریق آبی کردن انگشتان شان زعیم آیندهٔ خود را انتخاب کنند. اما گروهی که تنها برایشان برنده شدن مطرح بود و جایگاه مردمی در میان توده ها نداشت، در تبانی مستقیم با مسؤولان کمیسیون های انتخاباتی و حکومتی، دست به تقلب سازماندهی شده زدند. رأی پاک مردم افغانستان که به قیمت از دست دادن جان شماری از هموطنان ما و قطع شدن انگشتانشان برای آوردن یک نظام مردم سالار استفاده ص ۳

موضع گیری داکتر عبدالله مبنی بر تعلیق در آوردن همکاری با نهادهای انتخاباتی هدف دادخواهانه دارد



● عنایت.

روز چهارشنبه تاریخ ۲۸ جوزا داکترعبدالله عبدالله، نامزد انتخابات ریاست جمهوری، در یک نشست خبری اعلام کرد، به دلیل اینکه کمیسیون مستقل انتخابات به خواسته های تیم اصلاحات و همگرایی پاسخ مناسبی ارائه نکرده است، این تیم تمام روابط خود با کمیسیون انتخابات را به حالت تعلیق درمی‌آورد. آقای عبدالله خواستار توقف فوری روند شمارش آرای دور دوم انتخابات ریاست جمهوری شد و از تمام ناظران تیم انتخاباتی خود خواست که وظایف خود را از لحظه اعلان ترک کنند و دیگر با دفاتر کمیسیون انتخابات همکاری نکنند.

آقای عبدالله گفت: برای اینکه خواست های ما از سوی نهادهای انتخاباتی برآورده نشد، ما اعتماد خود به کمیسیون های انتخابات را از دست دادیم و دیگر به این نهادها اعتماد نمی‌کنیم. اوگفت که دولت هم از آغاز روند انتخابات، بی‌طرف نبوده و به ص۵

عراق در یک قدمی تجزیه



وحید «مژده»

تحولات دراماتیک عراق و پیشروی های گروه داعش در مناطق سنی نشین این کشور که فروپاشی بخش بزرگی از ارتش این کشور را موجب شد، دعوت رهبران مذهبی شیعه برای مسلح شدن مردم، و سرانجام داخل شدن این گروه به «بیجی» در غرب بغداد، که بزرگترین پالایشگاه نفت عراق در آن قرار دارد، وضع وخیمی را بمیان آورده است. دولت عراق ناتوان تر از همیشه از امریکا درخواست نموده تا مواضع مخالفین را مورد حملهء هوائی قرار دهد اما به نظر می رسد که امریکا لااقل تا نوشتن این سطور در این مورد متردد است.

ایران نیز معتقد است که باید علیه داعش که گفته می شود رهبری این جنگ ها را بعهده دارد اقدامات سریع صورت گیرد اما رهبران قبایل سنی می گویند که داعش فقط ۵ درصد از مجموع جنگجویان را تشکیل می دهد و آنچه در عراق می گذرد، قیام مردم عراق علیه دیکتاتوری و ظلم مالکی است. این قیام حتی به سنی ها هم مربوط نمی شود.

تحولات اخیر عراق این کشور را به تجزیه نزدیک تر می سازد و همانگونه که رهبران کرد این کشور معتقد اند راه حل اینست که باید برای سنی ها نیز یک منطقهء خود مختار مانند اقلیم کردستان بمیان آید اما تا رسیدن به آن مرحله نیز خونریزی همچنان ادامه خواهد یافت و مردمان بیشتری را این جنگ آواره خواهد ساخت.

***

در سال ۲۰۰۳ نیروهای امریکائی به بهانهء وجود سلاحهای کشتار جمعی به عراق حمله نموده و رژیم صدام حسین را سرنگون کردند. امریکائی ها گمان داشتند که با از میان بردن صدام دیکتاتور، در ذهن مردم عراق بعنوان نجات دهندهء ملت عراق شناخته خواهند شد. این اشتباه محاسبه ناشی از جنگ خلیج بود که به آزادی کویت از چنگ عراق منجر گردید و امریکا در نزد کویتی ها بعنوان ناجی شناخته شد اما عراق کویت نبود؛ اندکی بعد از اشغال عراق، نخستین علایم نارضایتی بشکل مقاومت مردمی در این کشور ظاهر شد.

امریکائی ها از قبل مردم عراق را به سه گروه قومی مذهبی «شیعه- سنی و کرد» تقسیم کرده بودند. وقتی نیروهای امریکائی رژیم صدام را سرنگون کردند، کردها علم خود مختاری برافراشتند و اگر فشار دولت ترکیه بر امریکا نمی بود، اقلیم کردستان عراق مبدل به یک کشور مستقل شده بود. ترکها از اینکه اقلیت کرد ص۲

مجاهد
ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان
مؤسس: شهید استاد برهان الدین ربانی
سال تأسیس: ۱۳۵۷ خورشیدی
ناشر : دفتر فرهنگی
زیر نظر هیأت تحریر
آدرس: شیرپور سرک دوم دست راست، خانهٔ ۱۰۶۵
شمارهٔ تلفن:۰۷۸۸۴۰۸۶۳۵/ ۰۷۷۲۰۳۶۴۱۲
Website: www.mujahedweekly.com
E-mail: Mujahid1357@Yahoo&hotmail.com

سرمقاله

دادخواهی داکتر عبدالله عبدالله در دفاع از حق مردم

روزچهارشنبه ۲۸ جوزا رهبر تیم اصلاحات و همگرایی، موضع جریان اصلاحات وهمگرایی را در قبال انتخابات اعلام نمود. تصمیم داکتر عبدالله زمانی اعلام شد که مراجع رسمی یعنی کمیسیون هایی انتخاباتی و رئیس جمهور کشور به خواست های مشروع و برحق تیم اصلاحات و همگرایی وقعی نگذاشتند و این خواست ها را نادیده گرفتند و تنها به موضوع تقلب ها، از عینک خود نگاه کردند. درنهایت رهبر تیم اصلاحات و همگرایی پس از آن که مطمین شد، بازی بزرگ با سرنوشت آرای مردم درجریان است، تصمیم گرفت، تا تمام همکاری های خود را با کمیسیون مستقل نام نهاد انتخابات به حالت تعلیق در آورد.

این تصمیم دادخواهانه و حق طلبانه در حالی صورت می گیرد که تا هنوز مهندسان تقلب، در انتخابات به کار نامشروع و یک طرفه خود ادامه داده و به خواست های مشروع مردم تمکین نمی کنند. درعین حال برخی ها با دیده درایی می گویند که تصمیم داکتر عبدالله کشور را به بحران می برد، درحالیکه باید تقلب سالاران بدانند، این آقای نورستانی، امرخیل دم و دستگاه وی است که با مهندسی آرای واقعی مردم می خواهند کشور را به بحران ببرند.

این بار، باید آقای کرزی و کمیسیون‌ها و دیگر دستگاه ناسالمش، این موضوع را درک کنند که با اتخاذ تصامیم غلط و حمایت از آدم هایی دزد و متقلب، دارند کشور را به سوی بحران می برند. داکتر عبدالله، چارهٔ جز این نداشت، تا همکاری هایی خود را با کمیسیون ها قطع نماید و به هدف دادخواهی و حق طلبی از آراء پاک مردم دفاع نماید. توطیه گران باید بدانند که داکتر عبدالله عبدالله وتیم همراهاش دو بار از سوی مردم مورد حمایت قرارگرفته است. جریان جعل و تقلب قدرت مردمی را هیچ‌گاه بر نمی تابند وجرأت تحمل آن را ندارند و همواره تلاش کردند تاجریان مردم سالار قدرت را از طریق مشروع، به دست نه گیرند. مردم افغانستان می دانند که عمق توطیه دنبالهٔ وحشت ناکی دارد. توطیه گران از قبل گرگ ها را چوپان ساختند. این گرگ ها وقتی دیدند، عبدالله عبدالله در۱۶حمل مورد حمایت مردم قرار گرفت، قصداً انتخابات را به دور دوم کشاندند.

در این دور حتی طرح ترور وی نیز از گزینه های بود که در روی میز توطیه گران قرارگرفت. توطیه ترور وی وقتی ناکام ماند، هژمونی سیاست این بار، تنها یک برگ برنده داشت و او این که باید چنان تقلب را مهندسی نمود تا از پیروزی عبدالله عبدالله در دور دوم جلوگیری شود. اکنون داکتر عبدالله، با مطرح کردن خواست ها و اهداف شوم طرف ها، ادای مسؤولیت کرده است. پس از این هرگونه پیامد های بد متوجه حکومت و نهادهای انتخاباتی در کشور است.

از سر گرفتن بحران در افغانستان

■ عبدالعلی کوهی

در افغانستان هنوز عقلانیت سیاسی بوجود نیامده است و واژه شهروند در افغانستان هنوز بوجود نیامده است. بقول تیم تحول و تداوم همین اقوام و قبائیل است که سرنوشت افغانستان را رقم می زند و روی این اساس نمی شود انتخابات افغانستان را از مؤلفه های دیموکراسی مدرن به حساب آورد. در سال ۲۰۰۹ رئیس دولت با تقلب روی کار آمد و در انتخابات سال ۲۰۱۴ قرار بر این است که رهبران اقوام و قبایل که خود را میراث خوار اقوام می دانند با تقلب رئیس جمهور آینده را تعیین نمایند. در صورت نبود مشروعیت رئیس جمهور نبود مشروعیت رئیس جمهور آینده نخواهد توانست بر مشکل افغانستان فایق آید و این انتخابات طوری که دیده می شود بر بحران و مشکل افغانستان خواهد افزود. دستکاری در انتخابات و عدم رسیده گی به خواسته های قانونی عبدالله عبدالله کاندیدای پیشتاز دورهٔ اول همان منطق زور قرن نوزدهم افغانستان است که در برابر قدرت، حتی اقوام یکدیگر را خورد و خمیر می نمودند تا بر اریکه قدرت تکیه بزنند. از روز های نخست دوره دوم انتخابات شواهد معین در مورد انتخابات وجود داشته است. در صورتی که دور دوم انتخابات با آن گسترده گی دور اول نبوده است، اما رئیس کمیسیون انتخابات تعداد رأی دهنده گان را بالاتر از هفت میلیون انسان قلمداد می نماید، در حالی که شاهدان عینی به این باور اند که کمتر از شش میلیون انسان رای داده اند. این سخنان از جمله ابهاماتی است که در این انتخابات وجود دارد. در یک تعداد از ولایات کشور تعداد رای دهنده گان بالاتر از نفوس آن ولایت قلمداد شده است. تعدادی از صندوق ها از سوی اشخاص پر شده و به نفع کاندید مشخص فعالیت هایی گسترده یی در راه بوده است. باید گفت که حلقاتی در درون نظام افغانستان وجود دارند که در صدد بد نام کردن روند نو بنیاد دیموکراسی و انتخابات در افغانستان می باشد. این حلقات در تلاش اند تا یک رئیس نا مشروع **ص۷**

عراق در یک قد...

در ترکیه هم به اقدام مشابه دست بزنند نگران اند.

از جانب دیگر بعد از اشغال عراق توسط امریکا، بالاترین مرجع تقلید شیعیان این کشور آیت الله العظمی سیستانی فتوا داد که از آنجا که ما در دوران غیبت کبری بسر می بریم و امام زمان ظهور نکرده است، بنابراین در عصر غیبت، جهاد علیه کفار روا نیست.

درحالیکه کردها هم اکثرا سنی مذهب اند اما آنها خود را از عرب های سنی جدا کردند و در نتیجه سنی ها در اقلیت قرار گرفتند. حکومت جدید در عراق تحت رهبری شیعیان به میان آمد و جنگ های فرقه ای اوج گرفت. ابومصعب الزقاوی از افغانستان به عراق رفت و جبههء القاعدهء عراق را بوجود آورد که علیه امریکائی ها و هواداران امریکا علم جهاد برافراشت. این جهاد را سران سنی مذهب قبایل نپذیرفتند و سنی های عراق بخصوص سران قبایل علیه القاعده دست به قیام مسلحانه زدند. این مسئله موجب تضعیف کامل القاعده در عراق شد.

سنی های عراق انتظار داشتند تا در حکومت جدید نقشی داشته باشند اما حکومت نوری المالکی نه تنها هیچ امتیازی به سنی های عراق قایل نبود بلکه طارق الهاشمی معاون صدراعظم را که سنی مذهب بود به حمایت از تروریسم متهم نمود و قصد دستگیری وی را داشت اما طارق الهاشمی به حکومت اقلیم کردستان پناه برد. دولت نوری المالکی وی را در غیاب به اعدام محکوم کرد.

موج بیداری اسلامی به عراق نیز رسید و سنی های عراق با تظاهرات مسالمت آمیز خواهان مشارکت در حکومت شدند که از جانب نوری المالکی نه تنها رد شد بلکه تظاهرات مسالمت آمیز مردم به شدت سرکوب گردید.

دیگر هیچ راهی جز دست بردن به اسلحه باقی نماند و در نتیجه همان قبایل سنی مذهب که بعد از سال ۲۰۰۴ علیه القاعده دست به اسلحه برده بودند و خواهان صلح در عراق بودند این بار خود علیه رژیم مالکی به شورش دست زدند. این جنگ ها در ابتدا زیاد جدی گرفته نشد و همه به این باور بودند که اردوی عراق که توسط امریکا آموزش دیده و تجهیز شده است، قادر به کنترول وضع خواهد بود.

از جانب دیگر در سوریه کشور هم مرز با عراق، نیروهای ضد دولت بشار الاسد نیز باهم درگیر شدند. گروه النصره شاخهء اصلی القاعده، داعش را که یک گروه سلفی است خائن خواند و پس از درگیری های شدید، سرانجام داعش از مناطقی در سوریه عقب نشینی کرد.

داعش که مخفف «دولت اسلامی عراق و شام» است، متشکل از جنگجویان سوری و عراقی است. در فبروری سال ۲۰۱۴ ایمن الظواهری رهبر القاعده هرگونه ارتباط این گروه با القاعده را رد کرد.

در جنوری ۲۰۱۴ نیروهای داعش موفق شدند به کمک جنگجویان قبایل ناراضی از حکومت مرکزی عراق، شهر های فلوجه و رمادی را به تصرف خود درآورند. نیروهای حکومت مرکزی توان مقابله با این نیروها را نداشت و پس از اندکی مقاومت، شهر موصل دومین شهر بزرگ عراق بدست نیروهای سنی افتاد. جنگجویان قبایل سنی نقش داعش را در این درگیری ها ضعیف می داند. اخباری هم که از جنگ در این شهر می رسید نمایانگر این حقیقت بود که تعداد نیروهای تحت فرمان داعش فقط ۱۵۰۰ تن بود. این نیروهای قبایل بودند که با هزاران جنگجوی شان توانستند این شهر را تسخیر کنند اما بعضی از حلقات در مورد نقش داعش بزرگنمائی می کنند تا امریکا را تحریک به حمله نمایند.

بعد از آن شهر تکریت زادگاه صدام حسین بدست شورشیان افتاد. نیروهای دولتی از شهر های کرد نشینی که تحت تسلط حکومت خود مختار کردستان نبود، عقب نشینی کردند و درنتیجه پیشمرگه های کرد بدون جنگ این مناطق را اشغال نموده و کنترول شهر کرکوک را یکی از مراکز تولید نفت عراق است را نیز دردست گرفتند.

عقب نشینی ارتش عراق حتی برای نیروهای عشایر سنی نیز غیرقابل باور بود. در جریان این عقب نشینی ها، نیروهای عراقی آنقدر جنگ افزار از خود برجا نهادند که برای تجهیز یک ارتش دهها هزار نفری کافیست. در شهر رمادی گذشته از تعدادی زیادی تانک، نیروهای ضد حکومتی چندین هلی کوپتر نظامی را نیز غنیمت گرفتند. گفته می شود که این جنگ افزار ها برای مدت طولانی می تواند برای کشور های دیگر همسایهء عراق هم خطرآفرین باشد.

نیروهای عراقی انگیزه ای برای جنگ با مردم نداشتند زیرا حکومت نوری المالکی با سیاست های قومی خویش همه را از خود رانده بود بحدی که مقامات امریکائی در مقابل این سوال که آیا واشنگتن که به عراق کمک نظامی خواهند نمود گفتند که امریکا از دیکتاتوری ها حمایت نمی کند.

نیروهای آموزش دیدهء ارتش عراق نیز با مردم پیوسته اند. عشایر این مناطق به این باور اند که مالکی بنام جنگ با داعش و تروریسم می خواهد قدرت خود را مشروعیت ببخشد و کمک های غرب را بدست آورد اما به نظر می رسد که کشور های عربستان سعودی و قطر در مورد اوضاع داخلی عراق با امریکا مذاکره کرده اند زیرا امریکا تاکنون از حملهء هوائی به مناطق سنی نشین خودداری نموده است زیرا به این نتیجه رسیده که چنین فتوحات بدون حمایت مردم این مناطق برای یک گروه کوچک چون داعش هرگز متصور نبود.

از جانب دیگر ایران هم نگران وضع در عراق است و این فرصتی است تا ایران و امریکا بار دیگر بر سر مسئلهء عراق باهم نزدیک شوند. گفته می شود که ایران نیروهای محدودی را هم به عراق فرستاده است اما در مورد تعداد این نیروها اطلاع دقیقی در دست نیست اما خبر از مذاکرات مستقیم میان امریکا و ایران می رسد.

از جانب دیگر آیت الله سیستانی که به فتوایش در مورد جهاد قبلا اشاره شد، تحت انتقاد قرار گرفت که بجای اینکه در جهت یک پارچکی عراق تلاش نماید، با چنین فتوا ها به جنگ مذهبی دامن می زند. وی نیز لحن خود را تغییر داده و جهاد علیه داعش را «کفائی» خواند. در جواب وی تعداد زیادی از شیعیان به مراکز اردوی عراق مراجعه نموده و خواهان اسلحه برای جنگ علیه داعش و قبایل سنی شدند.

بصورت کلی از اوضاع عراق می توان چنین نتیجه گرفت که این جنگ به این زودی ها به پایان نخواهد رسید و سرانجام امریکا با کمک ایران، سعودی و قطر به تجزیهء عراق خواهد پرداخت. این تجزیه همین اکنون آغاز شده و نوری المالکی با جنگ مذهبی که براه انداخت عملا نیروهای مسلح عراق را به نابودی کشاند. مقتدا صدر یکی از رهبران شیعهء عراق نیز گفته است که مالکی بخشی از مشکل عراق است و باید این شخص جوابگوی اقدامات نابخردانه ای باشد که تا کنون انجام داده است.



شهید استاد برهان الدین ربانی رهبر جهاد و مقاومت با جنرال ظاهر اغبر رئیس سابق المپیک

یاد و خاطره ای از سید محمد روئین



هرگز نمیرد آنکه دلش زنده شد به عشق ...

■ فقیری

مجاهدان راستسین، آنانی اند که دل های پاک شان در عشق خدای متعال زنده است و تمام حیات و اندوخته های زندگی را در راه خدا و حصول رضای او تعالی در طبق اخلاص گذاشته اند...

این مجاهدان راستین به راستی که در جریدهٔ عالم، نام و یادشان زنده و جاویدان است...

انجنیر سید محمد روئین از جمله مجاهدانی بود که عمر عزیز خویش را با عشق خدا در راه خدا صرف کرد و از اعماق قلب مجاهد بود و آگاهانه از راه خدا و مبارزه و جهاد در راه او با عشق الهی و قلب دردمند و آگاه، جهاد می کرد!

من زمانی با این مجاهد راستین آشنا شدم که در محیط هجرت او را « آمرمجاهدین» می خواندند. او در آوان جوانی مانند همهٔ ما، بسیار پرطراوت و احساساتی بود، او درد و اندوه جبهات و مشکلات مجاهدین را از نزدیک دیده بود و خود از جملهٔ مجاهدان درد دیده بود... ما در محیط مهاجرت از رنج ها و تکالیف مجاهدین آگاه بودیم ولی به اندازهٔ درد دیدگان سنگرها، رنج های شان را احساس نمی کردیم...

شبی در حویلی « گنج » که قرار گاه جوانان و محصلین جمعیت اسلامی بود، برنامهٔ تجلیل از نزول قرآنکریم برگزار شده بود و انجنیر سید محمد روئین گرداننده یا نظم دهندهٔ آن محفل بود. من نیز در جملهٔ سخنرانان آن محفل بودم و طبق عادت آن روزها، حرف های انقلابی زدم و مواردی را در سیاست جمعیت اسلامی افغانستان به نقد گرفتم.

تعدادی از جوانان و در رأس شهید محمد کاظم شارقی با نعره های تکبیر از این سخنرانی استقبال کردند و مرحوم سید محمد روئین به دلیل اینکه وقت تمام شده، از ادامهٔ سخنرانی بنده جلوگیری کرد...

چه شب به یادماندنی ای بود! انجنیر سید محمد روئین به سخنان من اشاره کرده و درد و رنج مجاهدین را یاد آوری کرد: جوانان انقلابی! به آسیاب دشمنان اسلام و وطن آب نریزید! این سخن ها درست است ولی خوراک تبلیغات کمونیست ها است! به هوش باشید که سنگر داران اسلام را مأیوس و دلسرد نسازید! وطن به شما جوانان امید دارد و توقع حرف های درست و سازنده را، نه تخریب و جدایی را...

محفلی آن شب که در سال ۱۳۶۰ بود، به وضع نا مناسبی مبدل شد. رهبر شهید جمعیت زمام امر را بدست گرفت و به سخنرانی پرداخت... واقعاً که خردمندی و بزرگواری رهبران چون رهبر جمعیت، آنگاه به مشاهده می رسد... رهبر بزرگ ما در مورد موضع اجتماع و محفل که همانا سالروز برگزاری از تجلیل نزول قرآنکریم بود، با شرح و تفصیل مبسوطی سخن گفت و اذهان جوانان و محصلین را با گوشه های مختلفی از اعجاز قرآن، بیشتر از پیش آشنا شناخت... رهبر ما، کوچکترین اشاره ای به ماجرای محفل نکرد و سراسر از قرآن و نزول آن صحبت کرد...

جای تعجب است! گفتگوی لفظی میان دو تن از اعضای جمعیت اسلامی و آنهم در محفل نزول قرآن و طرفداری بعضی ها از این و بعضی از آن و بالاخره رهبر گرانقدر جمعیت بدون اشاره به این بر خوردهای لفظی، به اصل موضوع می پردازد و اذهان جوانان و محصلین را روشن می سازد.

در آن سالها، انقلاب اسلامی در ایران، موضوع مطرح میان جوانان بود. در مورد « خط انقلاب» و « خط امام» بحث های صورت می گرفت... مرحوم سید احمد روئین، هر زمانی که باهم رو بروی می شدیم، به شوخی از « خط » صحبت می کرد و بحث ها در مورد « خط » از بحث های عمدهٔ ما در آن زمان بود...

در دوران مقاومت بود که مدتی سید احمد روئین در مشهد ایران زندگی می کرد و من که سکرتر او در مشهد بودم، با آگاهی از ورود رویین به مشهد، همراه با استاد سید عنایت الله شاداب به منزل رویین واقع در بیرون شهر مشهد رفتیم و از بیماری او اطلاع یافتیم و دیدار عیادت کردیم... در شهر کابل نیز گاه گاهی با هم می دیدیم و بخصوص در مراسم و محافل ولی هرگز بحث « خط» در میان ما نبود!

روانش آن یار با وفا و آن سنگردار دوره های جهاد و مقاومت را شاد می خواهم.

پیام صلاح الدین ربانی رئیس...

شده بود، توسط مسوؤلان کمیسیون ها و رهبری حکومت به بازی گرفته شد.

به همین دلیل، برای رسیدگی به این مشکلات، خواست های معقول و مشروعی را، مبنی بر به تعلیق در آوردن وظیفه رئیس دارالانشاء کمیسیون انتخابات، ارائه وضاحت در مورد ادعای کمیسیون انتخابات مبنی اشتراک بیش از هفت ملیون مردم در انتخابات ۲۴ جوزا وتقلبات گسترده و مهندسی شده در برخی ولایت های کشور که حتی شمار رأی دهندگان در آن ولایت ها بیشتر از واجدین شرایط رأی دهی میباشد، مطرح کردیم.

پس از سپری شدن چند روز ، رهبری حکومت فعلی و کمیسیون های انتخاباتی، نه تنها به این پرسش ها توجه نه کرده اند، بلکه برعکس در صدد توجیه تقلب های سازماندهی شده برآمدند.

بناءً روز، چهارشنبه ۲۸ جوزا، تصمیم بر آن گرفتیم تا افزون بر توقف روند شمارش آرای دور دوم انتخابات، هرگونه ارتباط و همکاری ناظران تیم اصلاحات و همگرایی با کمیسیون های انتخاباتی غیر قابل اعتماد و بی اعتبار، به حالت تعلیق در آورده شود.

باید رهبری فعلی حکومت متوجه مسؤولیت تاریخی خویش در این برههٔحساس زمانی باشند؛ زیرا حکومت برآمده از تقلب میلیونی و مهندسی شده، قطعاً قابل قبول برای مردم افغانستان و همکاران بین المللی افغانستان نخواهد بود. ما باورداریم که برمبنای تجربهٔ تاریخی، رژیم های برخواسته از تقلب مهندسی شده، توان ادامه حیات را ندارند. عدم همکاری مردم و نافرمانی مدنی آنها، عمراینگونه رژیم هارا کوتاه تر خواهد کرد و در عرصه بین الملل نیز رژیم های غیر مشروع از هیچ‌گونه اعتبار وحیثیتی برخوردار نیستند. حکومت فعلی باید توجه کند که یکی از پیش شرطهایی اصلی جامعه جهانی در کنفرانس های مختلف بین المللی، تدویر یک انتخابات شفاف بود.کسانی در حکومت و کمیسیون های انتخاباتی، تقلب مهندسی شده میلیونی را برنامه ریزی کردند و برای پرکردن صندوق ها به نفع یک کاندید خاص، جفای بزرگ را در حق مردم شریف افغانستان نمودند، باید بدانند که مسؤولیت تاریخی پیامد آن نیز متوجه آن ها خواهد بود و مردم و تاریخ در برابر آن ها به گونه دیگرقضاوت خواهد کرد. همه باید بدانند که ما با تقدیم کردن عزیزترین شخصیت ها و چهرهای تابناک جهاد و مقاومت مردم افغانستان برای تحقق نظام مردم سالار، نخواهیم گذاشت تا با سرنوشت مردم شریف افغانستان بازی صورت گیرد.کسانیکه دست به چنین دسیسه‌ها میزنند نباید به فکراین باشندکه ازاین خیانت ملی آنها مردم به سادگی عبور خواهند کرد.

مردم افغانستان با رأی پاک شان زعیم آینده خود را در ۱۶ حمل و ۲۴ جوزا انتخاب کردند، پس پاسداری از آرای پاک مردم افغانستان، وظیفهٔ دینی و مسؤولیتی تاریخی ما است و خواهد بود.

زنده باد افغانستان و پاینده باد مردم شریف و مجاهد افغانستان

صلاح الدین ربانی

رئیس جمعیت اسلامی افغانستان ورئیس شورای عالی صلح

په مشرتابه او انسان سازي کې د نبوي سیرت ونډه

دیار لسمه برخه

لیکوال: شیخ سالم الصفار
ژباړه: اجرالدین اقبال

پیغمبر اکرم ټینګار کاوه،چې په عدالت د کارګر مزدوري ورکړئ او تل یې د کارګر سوکالۍ ته پام و او په دې اړه وایي:((څوک چې زموږ لپاره د یوکار لامل شي؛ نو که کور نه لري؛نو باید د کور خاوند شي او که ښځه نه لري؛باید د ښځې خاوند شي او که سپرلي نه لري؛نو باید د سپرلی خاوند شي.))

د رسول اکرم سیرت د هغه په شاګرد؛حضرت "علي ابن ابیطالب" کې انځور شو. حضرت "علي" چې "مالک اشتر نخعي" د "مصر" والي وټاکه؛نو داسې یو منشور یې ورکړ،چې د نړۍ تر ټولو لوړ اداري او سیاسي پروګرام شمېرل کېږي او په یوه برخه کې یې راغلي:

((له ولس سره په نرمۍ چلن کوه او د داړن ځاروي په څېر مه اوسه،چې د ولس داړل درته غنیمت وي .))

د عمومي مدیریت ځانګړنې

۱_ د کار پر ارزښت ایمان:

په غیر دیني ټولنو کې مدیریت یو کسب دی،چې ټاکل شویو مادي موخو ته رسېدل اسانوي او له هرې لارې او وسیلې یې د خلکو قانع کول ځانګړنه ده؛خو په اسلام کې د مدیر د ټاکلو اساسي شرط،د کار پر ارزښت د زړه له کومې باور دی؛ لکه څرنګه،چې پیغمبر اکرم د قرآن پر حقانیت او خلکو ته یې پر تبلیغ بشپړ ایمان درلود او دا حقیقت قرآن بیان کړی :

(بقره /۲۸۵) پر پیغمبر،چې څه د خدای له لوري نازل شوي دي،ایمان یې پرې راوړی دی (او هغه په خپلو ټولو خبرو پوره مؤمن دی) او (هم) ټولو مؤمنانو پر خدای، پرښتوو،کتابونو او پیغمبرانو یې ایمان راوړی دی ؛(او وایي:) ((موږ د خدای د پیغمبرانو ترمنځ یوه ته هم په توپیر قایل نه یو (او پر ټولو ایمان لرو)) او (مؤمنانو) وویل:((موږ واورېدل او غاړه مو کېښووه: پالونکیه ! ستا بښنې (ته سترګې پرلار یو) او درتګ (مو) یوازې همدا ستا لوري ته دی .))

د رسول اکرم پرله پسې هلې ځلې،پر الهي وحې او اسلامي ارزښتونو د ایمان نښه وه؛ځکه ډېر کړاوونه یې پرې راوستل؛خو بیا هم ستړی نه شو او هغه مهال به له خوشحالی په جامو کې نه ځایېده،چې ډلو ډلو به اسلام راووړ او هغه مهال به ډېر خپګې ده،چې خلک به سمې لارې ته نه راتلل؛خو آیت راغی او د رسول اکرم د تسلیت لپاره یې وویل:

(کهف / ٦آیت) او که په دې خبره (= قرآن) ایمان را نه وړي؛ نو ښايي ته د هغوی د کړنو له امله ځان له غمه مړ کړې.))

۲_ امانت ساتنه او د مسئوولیت احساس:

هغه مشر بریالی او ځلېدلی دی،چې د ستر روح خاوند وي او د کار سختي وزغمي او په



اخلاص او امانتوالی خپله دنده تر سره کړي.

په اسلام کې مدیریت یوازې وړ مومن او وړ کارپوه ته سپارل کېږي او سیره لیکوونکیو لیکلي،یو صحابي رسول اکرم وپوښته: ((ولې راته قوماندانی نه راسپارئ ؟))

پیغمبر اکرم ورته وویل: ((ځکه د سر ته رسولو وس یې نه لرې او د یوې دندې یا کار مسئوولیت د قیامت پر ورځ د انسان د پښېمانۍ او سرکوزۍ لامل دی؛خو (نه) هغوی ته چې د دندې او مسئوولیت وړ وي او ټول واجبات یې پوره کړي وي.))

۳_ پرېکندتوب:

په حساسو شېبو کې د پیغمبر اکرم د پرېکنده هوډ کولو په اړه مو د پیغمبر اکرم د پوخې مشرۍ په بحث کې خبرې وکړې.

دلته باید ووایم: مدیر د ټولو پروژو او برنامو وروستی هوډ کوونکی دی؛نو باید بې له هر ډول وسواس او شکه،تر ټولو غښتلې اراده ولري؛ځکه د ارادې سستوالی د مدیر په مدیریت کې ګډوډي راولي. خدای خپل استازي ته وایي:

(آل عمران / ۱۵۹)خلکوته دالهي رحمت (په برکت)؛نرم (او مهربان) شوی یې او که تونده خویه او سخت زړی وې؛نو خلك درځنې خپرېدل؛نو تر هغوی تېر شه او ښښنه ورته وغواړه او په چاروکې ورسره مشوره وکړه؛خو چې کله دې هوډ وکړ (؛نو پرېکنده اوسه او) پر خدای توکل وکړه؛ځکه چې توکل کوونکي د خدای خوښېږي.))

حضرت "علي" وایي:

((په پرېکنده هود،ناغېړي او بې ارادېتوب له منځه یوسئ .)) (۸۸)((چا چې سستي او لټي جامه کړه؛نو حقوق یې پوپناه شي.))

٤_ عاجزي او ولسي کېدل:

قرآن کریم د "حجر" د سورت په ۸۸ آیت کې پیغمبر اکرم ته وایي:((له مومنانو سره مهربان اوسه!)) او د رسول اکرم اخلاق،چې د قرآن له مخې و،داسې مهربان،عاجز او متواضع و،چې کله به کوم ناپېژندګلو راغی؛نو پیغمبر اکرم به یې نه پېژانده؛نو پوښتل یې،چې په تاسې کې کوم یو د خدای استازی دی؟

خورا مهربان او تل به موسکی و او هغه مهال،چې د قریشو مشرکانو تړې وغوښتل چې ورسره ناست بېوزلي وشړي، چې د ناستې ځای یې پراخه شي؛نو و یې نه منل.

حضرت "علي"(نهج البلاغه:۵۳ لیک) خپل والي ته ولیکل:

((مالکه ! لورنه به خلک درسره مهربانه کړي او د عدالت پلې کول تر ټولو غوره چار دی،چې د واکمن څېره خلاندوي.د وخت یوه برخه هغوی ته ځانګړې کړه،چې تاته اړتیا لري او کارونه یې په خپله ترسره کړه. په عمومي غونډه کې کېنه او پر هغه مقام،د هغه خدای پر وړاندې متواضع وسه،چې ستا پیدا کوونکی دی او په کوم ځای کې،چې ناست یې؛ساتندویان دې مه پرېږده،چې خلک درته په ډاډه زړه خپله ستونزه ووایي .))

محمد حیدر ژوبل و تاریخ ادبیات افغانستان

عبدالعلی کوهی/استاد دانشگاه کابل

محمد حیدر ژوبل در سال ۱۳۰۴ در باغبان کوچهٔ کابل به دنیا آمد و پس از اکمال تعلیمات دورهٔ ثانوی در لیسهٔ نجات (امانی)، شامل دانشکدهٔ ادبیات دانشگاه کابل گردید و پس از دورهٔ تحصیل دانشگاه غرض تحصیلات عالی روانه ایالات متحدهٔ امریکا گردید و در سال ۱۳۳۱ هـ در رشتهٔ ادبیات و فلسفه از دانشگاه پرنستین امریکا سند ماستری بدست آورد. بعد از ورود به مملکت و تا سال ۱۳۳۸ وظایف مهمی چون: مسئوولیت مجلهٔ آریانا، مجله های عرفان، پوهنه، و اخبار عرفانی وزارت معارف و مدیریت مستقل روابط فرهنگی ریاست مستقل مطبوعات را به عهده داشت. افزون بر این فعالیت های علمی و فرهنگی به کار تدریس در دانشکدهٔ زبان و ادبیات کابل نیز ادامه داد. موصوف در سال ۱۳۳۸ پس از شرکت در کنفرانس فرهنگی در جمهوری مصر عربی در یک سانحهٔ هوایی به عمر ۳۴ سالگی در گذشت.

به گفتهٔ واصف باختری: مردی که کم زیست و بسیار نوشت. او در کمتر از یک دهه چندین کتاب، رساله و نیز مقالات زیاد نوشته است که هر یک آن ها دارای ارزش علمی می باشد. آنچه از نظر بعضی ها خیلی با ارزش و مهم می باشد، تاریخ ادبیات افغانستان و رساله یی مطالعهٔ ادبیات از خلال روان شناسی است. مقالات دیگر ژوبل در خصوص مولانا جلال الدین محمد بلخی، خواجه عبدالله انصاری، مرزا عبدالقادر بیدل و از همه مهمتر ادبیات معاصر افغانستان است. او در زمان حیات خود در زمینهٔ ادبیات تطبیقی ترجمهٔ آثار ادبی، املا و نگارش و زبان شناسی کار های ارزشمندی را انجام داده است.

آنچه در مورد این استاد جوان گفته می شود، تلاش، کوشش و پشت کار وی می باشد. او از سن سیزده سالگی تا زمان وفاتش قلمرو و گوشه هایی از ادبیات ما را به روشنی تحلیل و تفسیر نموده است. ژوبل در حیات علمی و فرهنگی خویش در بیشترین کنفرانس های بین المللی شرکت ورزیده و گذشته های افغانستان و فرهنگ آن را به سایر کشور ها و نهاد های علمی و ادبی معرفی نموده است.

کتاب تاریخ ادبیات افغانستان که برای نخستین بار در سال ۱۳۳۶ خورشیدی، زمانی که مولف در قید حیات بود به چاپ رسید و این کتاب طی سال های پسین از سوی چندین بنگاه های نشراتی نشر و پخش گردیده و خواننده گان زیاد داشته است. این کتاب در هشت فصل به چاپ رسیده و یک سند مهم تاریخی بوده می تواند. در این کتاب دوره های مختلف شعر و ادب فارسی دری و بزرگترین شاعران کشور به بررسی گرفته شده است. این کتاب از قدیم ترین دوره های ظهور اسلام، جنبش های ادبی و عصر حماسی سخن گفته است. این کتاب موضوعاتی چون: اسلام و تکامل ادبیات ملی، مثنوی سرایی، قصیده سرایی و تکامل آن، جنبش تصوف و تکامل مثنوی های عرفانی و دورهٔ رنسانس در افغانستان که مطابق به قرن نهم هجری است و در هرات در عهد تیموریان بوجود آمده است، معلومات وسیع، گسترده و همه جانبه ارائه می دارد و رنسانس شرق را که در هرات آغاز شده است، به رنسانس در غرب مقایسه و مقارنه نموده است. در این کتاب جنبش غزل سرایی، عصر بیدل، دورهٔ تجدد ادبی ادبیات معاصر افغانستان به بررسی گرفته شده است. که هر یک از این بحث ها جالب و خواندنی می باشد.

موصوف با استناد به کتاب حدود العالم، از خراسان و حدود آن نام می برد. از نظر وی مملکتی که حدود هایش را حدود العالم ذکر می کند همین افغانستان است و افغانستان امروزی همان خراسان دیروز است. از نظر وی آریانای کهن یا خراسان دورهٔ اسلامی کشوریست که امروز آن را افغانستان می خوانند. قولیست که جملگی بر آنند. ژوبل ذیل عنوان (شاهنامهٔ فردوسی آئینه فرهنگ افغانستان) منابع شاهنامهٔ فردوسی و کانون حماسه سرایی را همین افغانستان می داند و ارزش شاهنامه را برای این کشور دارای اهمیت و ارزش ادبی و اخلاقی کم نظیر می داند که شامل مطالبی در زبان، ادبیات، تاریخ و جغرافیای این سر زمین است و تاریخ آزادی، وطن خواهی و روح حماسی این کشور را به نظم کشیده است.

ژوبل حماسهٔ فردوسی را بزرگترین اثر تاریخی، ادبی، ملی و سند تاریخی این کشور دو طرف هندوکش می داند. از نظر ژوبل شاهنامهٔ فردوسی بزرگترین سند تاریخی، جغرافیایی و فرهنگی ادوار باستانی و قدمت این سر زمین (افغانستان) می باشد. به گفتهٔ ژوبل، فردوسی به زبان افغانستان سخن گفته، به زبان غزنه، بلخ، کابل، هرات و بدخشان شعر سروده، کلمات، اصطلاحات معین، طرز جمله بندی، گفتار، انشاء و سبک شاهنامه همه معرف زبان و طرز استعمالات سر زمین های افغانستان است که هنوز در شهر ها و دهکده های افغانستان معمول می باشد. مرحوم ژوبل ضمن بیان ارزش های معنوی شاهنامه، درس شجاعت، عفت، فدا کاری، وطندوستی، علاقه و حس وظیفه نسبت به وطن، کشور و غیره نمونه هایی از جان فشانی گذشتگان این سرزمین را به خاطر حفظ سیادت این قلمرو به معرفی گرفته است. طوری که از جان فشانی های رستم برای نگه داشت وطن چنین می آورد:

چو کشور نباشد تن من مباد
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد

کتاب تاریخ ادبیات افغانستان یک سند تاریخی و دارای تحلیل هایی ارزنده علمی است که خوانش آن برای نسل جوان بسیار با اهمیت می باشد. در این کتاب یک سلسله معلومات منسجم علمی و ادبی از گذشته های افغانستان تا دوره های جدید وجود دارد که برای خواننده یک سلسله معلومات اساسی و مفید را به جای می گذارد.

ملوکیت او غوره حکومتولی او توپیرونه یې

شفیق

د تاریخ په اوږدو کې انسانانو د واکمنۍ او حاکمیت بېلا بېلې نمونې او ډولونه لیدلي دي، کله یې ملوکیت او پادشاهۍ نظامونه لیدلي دي؛ چې یو شخص یایوه کورنۍ د قانون د حاکمیت پرته پر خلکو حکومت کوي، او د واکمن شخصي ارادې او غوښتنو پکې د واکمنۍ بنیاد جوړ کړی وي، لکه فرعوني، چنګېزي او ماکیاولي حکومتونه، چې پدې هر یوه واکمنۍ کې ظالمانه پادشاهت موجود وو او د واکمن ذاتي غوښتنې او هیلې د قانون سرچینه او ماخذ وو.

له همدې امله علامه ابن خلدون چې د اسلامي امت ستر مؤرخ ګڼل کیږي، د دا ډول ظالمانه پادشاهي نظامونو په تعریف کې وایي: (ظالمانه پادشاهي هغه حکومت دی چې پکې خلك د پادشاه د موخو او غوښتنو په منلو مجبوریږي.)

په شپاړسمه پیړۍ کې د ماکیاولي په نوم یو تن هم، د پادشاهت هغه مطلق العنانه نمونه په خپل یو کتاب (دي پرنس The prince) کې وړاندې کړه چې د دین او اخلاقو څخه آزاده پادشاهي یې پکې ترسیم کړې وه؛ نوموړي په خپل دې کتاب کې لیکلي چې یو مطلق العنان پادشاه یا شهزاده چې د شر د لېرې کولو لپاره له شر څخه کار واخلي او د اخلاقو او دین پابند ونه اوسي، هر ډول مکر، فریب او غولونې ته دوام ورکړي او هره شونې طریقه د خپلې واکمنۍ د پایښت لپاره وکاروي، هماغه له ټولو غوره حکمران او واکمن دی. چې دغه د بې واګیو واکمنې د قانون د له منځه وړلو او نه اړین ګڼلو معنا ورکوي. د نوموړي نظریې ته ورته نظریه د جان بودان هم وه، چې د شپاړسمې پیړۍ هغه دوهم فیلسوف دی چې پادشاهت یې غوره حکومت ګڼلی دی؛ نوموړي په (۱۵۷۶ ز) کې د پاپایت (عیسوي ملایانو د واکمنۍ) څخه د تیښتې په منظور دغه نظریه په خپل کتاب (الجمهور) کې راوړې ده، البته له ماکیاولي سره یې پدې کې اختلاف موجود وو چې د نوموړي په ځېر په تمامه معنا له اخلاقو څخه د آزادې پادشاهۍ پلوی نه وو او دایې نا ممکنه ګڼله چې ښایي سیاست له انساني اخلاقو څخه جلا کړای شي.

د انګلستان لومړی جیمز او هابس هم په خپلو لیکنو کې د پادشاهت تائید او ملاتړ کړی وو. خو د مطلق العناني پادشاهۍ تصور او نقشه د شلمې پیړۍ د لومړنۍ څلورمې په هغو دوه وو پیاوړو پادشاهیو او واکمنو کې هم موجوده وه، چې د هټلر او موسولیني په واکمنیو یادېدلې. البته پدغو واکمنیو کې دقومي او نژادي برلاسېو غوښتنو مفکوره هم ورزیاته شوې وه او نور هماغه ظالمانه پادشاهت وو چې د فرعوني او نمرودي واکمنیو څخه نیولې تر شلمې پیړۍ د دغو فاشیستي نظامونو پورې یې بیلابیل رنګونه خپل کړي وو او د همدوی واکمنۍ وې چې د دوهمې نړیوالې جګړې د رامنځته کېدو بنیادي لاملونه وګرځېدل، د کومې د اور په لمبو کې چې له پنځوسو ملیونو څخه زیاتو انسانانو خپل ژوند له لاسه ورکړ.

د پخواني شوروي اتحاد کمونستي امپراتوري هم همداسې د دین له سیاست څخه د جلا ګڼلو او ماده پرستۍ په روحیه هغه دیکتاتوري او ظالمانه نظام وو چې د پانګوالو له واکمنۍ څخه د تیښتې په منظور یې (۱،۳۷۶،۶۶۶) انسانان د مرګ میلمانه کړل او د جمهوریت غوښتونکي واکمنۍ په نوم یې ولسونه دکمونستي ګوند د غلامۍ لاندې وساتل، چې پکې د فرد د استثمار او استحصال پرځای له عام ولس څخه د واکمن ګوند استثمار، د پادشاهت دوره تیره کړه او هغه څه چې په دې ټولو واکمنیو او د پادشاهت په بیلا بېلو رنګونو کې مشترك موجود وو، هغه د خدایي او الوهیت دعوا کول، عام خلك او ولسونه د ځانونو غلامان ګڼل، شتمنۍ او دولت د لوړتیا او شرافت معیار ګڼل او د سیاسي وژنو، بیکاریو او سیاسي رشتوتونو په ورکولو سره د خلکو ضمېرونه اخستل او د دلیل او منطق ځواب په زور سره ورکول وو، چې د همدغو مشترکاتو څخه ځینې یې د نړۍ په ډېرو پانګوالو نظامونو کې هم شتون لري.

په (۱۷۷۹ ز) کې د امریکا په متحده ایالتونو کې د خپلواکۍ له اعلان او په (۱۷۸۹ ز) کې د فرانسې د لوی انقلاب وروسته چې د دموکراسۍ په نوم کوم نظامونه رامنځته شوي دي؛ په هغو کې هم ډیر ځلې او ځای پرځای د ولسواکۍ په نوم د شتمنو او پانګوالی واکمنۍ نظامونه حاکم دي، چې ولسواك نظامونه یې په ډیرو هیوادونو کې په خپلو پنجو کې نیولې دي او هغه حکومتونه وجود نلري چې په ریښتوني معنا د ولس د عامو خلکو ګټې خوندي کوي او غوښتنې یې ځوابوي؛ چې د هغو غوره نمونه درې کلونه وړاندې په هغو عربي هیواونو کې هم د پسرلي په نوم د پاڅونونو رامنځته کېدل وو، چې په ځینو کې یې واکمنانو د دموکراسۍ پروسه او د ملي مشارکت فورمولونه هم تطبیقول خو ولسونه یې ور څخه ناخوښي وو او خپل واکمنان یې د دغو هیوادونو په شتمنیو او د خلکو په سیاسي ارادو مسلط ګڼل چې د روانې پیړۍ د دې لسیزې د ولسواکیو په نوم پادشاهتونه یې را وپرځول؛ لکه د تونس، مصر او لیبیا په هیوادونو کې چې څه تر سره شول.

د اسلام سپیڅلی دین د ملوکیت او ولسواکۍ (ډموکراسۍ) تر منځه د یو داسې سیاسي نظام پلوي دی چې د واکمن په ټاکلو کې یې د خلکو اراده او مشارکت دخیل اوسي، البته نه د لویدیځې دموکراسۍ په ځېر، چې د قانون جوړونې محدوده یې یوازې د خلکو ارادې ته پریښې وي؛ بلکې د خلکو اراده منې چې د ولس لپاره قیادت او استازي په خپله خوښه غوره کړي خو په په ټاکلو کېدونکو کې د هغو شرایطو د شتون غوښتنه هم کوي چې د خپل ولس د آرمانونو، غوښتنو او مسؤلیتونو پرې درك کولای شي او سیادت او برلاسی د ژوند په ټولو چارو کې دشریعت هغو سرچینو په لاربښوونو، الله تعالی لره ګڼي چې په اسلام کې دقانون لپاره د لومړنیو سرچینو او ماخذونو (قرآن او سنت) په نوم پیژندلای شي او د هغه پیروی او اطاعت، شورا او عدالت یې نوربنستیز اصول دي

. همدرانګه آزادي هم د اسلام سیاسي نظام له اصوله څخه ګڼل کیږي چې له مخې یې د اسلام سیاسي نظام د ملوکیت او پادشاهت په پرتله له ولسواکۍ سره ډیر اړخ لګوي. واکمني او حکومت د اسلام د سیاسي نظام د تصور له مخې یوه دنده او رسالت ګڼل کیږي، نه دا چې یو امتیاز اوسي او د نبوی ارشاد له مخې (سیدالقوم خادمهم) ولسمشر (د هغه د توان او مسوولیت په کچه) د ولس خدمتګاردی او هم د ولس واکمنانو او چارواکو ته دا اجازه نه ورکوي چې د خپلو ساتونکو او دیوالونو په وسیله ځانونه له خپل ولس څخه لیرې او پټ وساتي. له همدې امله اسلام د غوره حکومتولۍ اوښې واکمنۍ په ځانګړتیاوکې لاندیني کارونه لازم بولي او چې تر څو دغه کارونه او اصول پلي نشي، هغه واکمني د غوره واکمنۍ او ښه حکومت په نوم نه پیژني. هغه اصول او ځانګړتیاوې یه لاندې ډول دي: ۷مخ

موضع گیری داکتر عبدالله مبنی بر تعلیق در آوردن همکاری با نهادهای ...

صورت "سازمان یافته" به نفع نامزد خاصی تقلب گرده‌است. آقای عبدالله گفت: "تقلب وسیع، بی شرمانه و سازمان یافته در انتخابات

ما را مجبور کردکه این تصمیم را بگیریم و این تصمیم هم به خاطر آیندهٔ افغانستان، به خاطر نهادینه کردن مردم سالاری اتخاذ شده است. آقای عبدالله دو روز پیش از کمیسیون انتخابات خواسته بود تا وظیفه ضیاء الحق امرخیل، رئیس دبیرخانه این کمیسیون را به دلیل این که تقلبش با پشتاره دستگیر شده است به تعلیق درآورد.

از سوی دیگر آقای عبدالله در کنفرانس تأکید کردکه ۷ میلیون شرکت کننده در انتخابات دور دوم که از سوی این کمیسیون اعلام شده، یک آمار واقعی نبوده وکمیسیون انتخابات باید در این رابطه توضیح بدهد و سند ارائه کند.

نامزدتیم اصلاحات وهمگرایی،کمیسیون انتخابات را متهم کرد که به جای ۵۰۰۰ کارمند انتخاباتی که به دلیل تقلب در دور اول از کار برکنار شده بودند، کارمندانی را استخدام نمودند که تیم رقیب به رهبری اشرف غنی حمایت می‌کنند. پس از آن که داکتر عبدالله عبدالله موضوع خود را در برابر رسانه ها اعلام نمود، کمیسیون انتخابات با نادیده گرفتن این موضع درواکنشی گفت: روند شمارش آرا، مطابق به زمان بندی از قبل تعیین شده ادامه می یابد.

در همین حال طی روزهای اخیر مردم افغانستان با برگزاری گردهمای هایی مدنی در مرکز و برخی ولایات خواستار تأمین شفافیت در انتخابات دور دوم ریاست جمهوری شدند.

دفتر یوناما در کابل گفته است، تلاش خواهد کرد که برای پیدا کردن راه حل سیاسی در این زمینه تلاش کند. دفتر سیاسی سازمان ملل با انتشار بیانیهٔ از نامزدان ریاست جمهوری و طرفداران آنها خواسته تا مسئولانه رفتار کنند.

این نهاد از هر دو نامزد و حامیان آنها خواسته که از هرگونه ابراز نظری که باعث مختل شدن راه حل سیاسی برای این کار شود، خودداری کنند. در بیانیه یوناما آمده، تصمیم دکتر عبدالله برای ما غیرمنتظره بود. یوناما با هردو نامزد و هر دو کمیسیون انتخابات کار خواهد کرد و برای پیش‌برد امور به آنها مشوره خواهد داد. یوناما افزوده که تلاش خواهد کرد که برای پیدا کردن راه حل سیاسی در این زمینه تلاش کند. رئیس جمهور گفته است که کاندیدان باید نتایج انتخابات را هرچه باشد بپذیرند. در عین حال رئیس جمهور طی تماس تلفنی با داکتر عبدالله عبدالله خواستار آن شده تا از نزدیک باوی دیدن کند. مقامات کمیسیون نیز گفته اند که خواهان آن اند که از نزدیک با داکتر عبدالله عبدالله دیدن نمایند و او را قناعت بدهند. اما مسوولان ستاد انتخاباتی داکتر عبدالله این نامزد ریاست جمهوری می گویند: داکترعبدالله عبدالله تاهنوز به خواست آنان جواب مثبت نداده است. با این حال آقای عبدالله عبدالله آقای کرزی را متهم کرده است که در قضیه انتخابات بی‌طرفی خود را حفظ نکرده و کل نظام انتخاباتی کشور را به حمایت از نامزد رقیبش، به کار انداخته است. اما آقای کرزی بارها گفته که از نامزد مشخصی حمایت نمی‌کند و به عنوان رئیس جمهوری بی‌طرفی خود را حفظ می‌کند .

مردم افغانستان درسراسر افغانستان خواهان آن هستند که از حقوق آنان باید دفاع صورت گیرد. اما داکتر عبدالله در نشست های اضطراری با شوراهای قومی و بزرگان اقوام مناطق شرق و جنوب کشور و سایر نقاط افغانستان وعده داده است که اعتراض خود را نسبت به کارکرد نا درست کمسیون ادامه می دهد و در عین حال از مردم خواسته است تا آرامش و ثبات را حفظ نمایند.

اواخر روز پنجشنبه داکترعبدالله عبدالله طی کنفرانس مطبوعاتی موضع تیم اصلاحات و همگرایی را در قبال ادامهٔ شمارش آراء از سوی کمیسیون انتخابات رد کرد و تأکید کرد که نتایج این شمارش هرچه باشد، مورد قبول ما نیست. داکتر عبدالله اضافه کرد از این که به خواست های ما از سوی حکومت و هم از سوی کمیسیون انتخابات جواب رد داده شده است، [illegible] اجراآت از نظر ما [illegible] نیست، وی یک بار دیگر به مردم [illegible] اطمینان داد که از حق [illegible] مشوره [illegible]

سلطه و مشروعیت

نگرشی فقهی و تاریخی

به ادامهٔ شمارهٔ گذشته

مشروعیت "تغلب" در عصر کنونی

بشریت امروز و در عصر کنونی، شاهد دگرگونی های شگرفی در جوانب مختلف زندگی است، که یقینا این دگرگونی ها بر عرصه ها و زمینه های گوناگون دولت و نظام سیاسی، نحوهٔ حکومت داری و نظم امور عامه سایه افگنده است. بگونهٔ مثال، ما امروزه گسترش قوانین در امر حکومت داری، فرایندی در ادارهٔ دولت و نظام سیاسی و ایدهٔ دولت قانون و نهادها و غیره را در دسترس داریم. همچنان رویهٔ جدایی قوای سه گانه در دولت، راهکار انتخاباتی و روند عقلایی، آنچه ازین دست که قبلاً و در زمانه های پیشین آنگونه که امروز ممکن است میسر نبوده است. در واقع می توان گفت، امروز به حکم موجودیت میکانیزم و فراهمی راهکارها، دیگر هرگونه بهانه و آز و انگیزه و تجویز در رسیدن به سلطه از طریق غلبه و استیلاء، از میان رفته و جایگاهی دراسلام و جوامع بشری ندارد.

با تأمل به فرآورده های اسلام و آنچه که خلفایِ راشدین درآغازین مرحلهٔ تاریخ اسلام در امر مشروعیت سازی قدرت سیاسی انجام دادند، همانا تعیین زعامت بر مبنای انتخاب و شورا بوده است؛ و یقیناً می توان گفت که این راهکار از شاخص ترین و متمایز ترین ارزش دینی و پدیدهٔ عقلایی که رعایت آن در آن مقطع تاریخی نسبت به زمانهٔ خودش سبقت داشته است. به هر حال، ارائهٔ چنین نمودار انسانی، الگو و تصویری را فرا راه بشریت گذاشت، و ما بایستی در امر مشروعیت زعامت سیاسی، میتود و راهکاری را گزینیم که بگونهٔ آن و یا شبیه و نزدیک به آن که مشارکت نخبگان و یا مردم را تجسم بخشد، تحقق یابد.

اینک تاریخ بار دیگر آن گذشته را می یابد. روند مشروعیت سازی به منظور مشروعیت بخشیدن زعامت سیاسی در کشور بر اساس شورا و مشارکت مردمی در دسترس ما مسلمانان قرار دارد، و یقینا جز سرشت استبداد و پیش قراولان حماقت و نابخردی، دیگر کسی مانع بهره مندی ازین گزینه و روند نخواهد گردید.

اگر درگذشته و در حالاتی، استیلای قدرت موجه به نظر می رسیده است، اما امروز در سایهٔ گستردگی دساتیر و نهادها و فراهمی ترتیب و تنظیم نظرخواهی و انتخابات، دیگر هرگونه توجیه و تجویز اش را از دست داده، بلکه امروز چهرهٔ زشت تر از بردگی و جنایت فجیع تر از قاچاق انسان و به مثابهٔ به برده کشاندن ملت ها و ربودن دولت ها به شمار می رود، که با تأسف گوشه و کنار جوامع اسلامی را سخت آسیب رسانیده است؛ بدینگونه می توان گفت، دیگر حاکمیت از طریق زور و غلبه در فقه و فرهنگ اسلامی جایگاهی نداشته، زمانش گذشته و فساد و پوسیدگی اش به همگان برملا گردیده است.

با وجود انحطاط و ناهنجاری هایی که کشورهای آفریقایی - در مقایسه با کشورها و قاره های دیگر- به آن مواجه اند، اما از لحاظ مشروعیت سیاسی، قانون اساسی و لوائح قانونی در مقایسه با "سازمان اتحادیهٔ کشورهای عربی" و اعضای آن و "سازمان کنفرانس اسلامی" و اعضای آن، خیلی ها پیشرفته تر و انسانی به نظر می رسد.

مادهٔ (۳۰) قانون اساسی معتبر (سال ۲۰۰۰) اتحادیهٔ آفریقا، پیرامون مشروعیت سیاسی حکومت ها، چنین تصریح می نماید: "حکومت هایی که از راه های غیر قانونی بمیان می آیند، اجازهٔ مشارکت به فعالیت هایی این اتحادیه را نمی داشته باشند".

در جنوری (سال ۲۰۰۷) اتحادیهٔ آفریقا، میثاق دیگری را به این عنوان (میثاق آفریقا پیرامون دموکرسی، انتخابات و حاکمیت) تصویب داشت، که در مادهٔ دوم آن با تأکید بر اهداف میثاق، و در بند چهارم آن چنین تصریح می گردد:" تقبیح و مردود قرار دادن هرگونه تغییر و دگرگونی غیر قانونی حکومت ها درکشورهای عضو این اتحادیه؛ به این اعتبار که چنین اقدامی خطر جدی را متوجه استقرار، امنیت، صلح و رشد و انکشاف این قاره می سازد". شگفت اینکه مصر یگانه کشور عضو، که از امضای آن میثاق خودداری نمود.

از سال(۲۰۰۰) به اینسو اتحادیهٔ آفریقا، بصورت عادی هر کشور عضو که درآن کودتای نظامی صورت می گیرد، عضویت آن در اتحادیه و سازمان های مربوط به آن به حالت تعلیق درآمده و فعالیت هایش قدغن می گردد.

در واقع موقف و التزام اتحادیهٔ آفریقا نسبت به آموزه های ارزندهٔ اسلام در امر مشروعیت حاکمیت سیاسی، نسبت به عده ای از شیخ های ازهری و سلفی و هیئت کبار علماء بیشتر قابل توجه و ارزنده است، شیوخی که در حمایت از خط استبداد و در دفاع از سلطهٔ ناروا، بعنوان طلیعه و پیش قراولان بیدادگران سلطه جو و طغیان گران بی مروت قرار گرفته اند!.

کودتای نظامی

در گذشته های تاریخی، معمولاً حکامی که از طریق تغلب بر سلطه دست می یافتند، از چهره های شاخص مردمی و دارای نفوذ ملی می بودند، کسانی که توانایی رهبری در میان مردم و ملت را دارا بودند. ایشان غالباً از شخصیت های می بودند که از مروت و مردانگی، شهامت و فداکاری، اهلیت رهبری و نیروی سازندگی در جامعه برخوردار بودند. همین ویژگی های برجسته موفقیت و ادامهٔ رهبری ایشان را در جامعه مسلم می ساخت، که بدینگونه هم فقهاء، بزرگان اقوام و مردم را فریفته نموده و ایشان را وا میداشت تا با حاکمیت مسلط اعلام بیعت و همکاری نمایند.

اما دریـن عصر، کوتاگران امروزی در تاریکی ها و از پشت پرده چون قارچ سر بیرون آورده و با فریب و دسیسه به مراکز قدرت می رسند. مدارک و صلاحیت اساسی ایشان عبارت اند:

- ارتقاء به مناصب عسکری
- مهارت در خیانت و غدر
- بیباکی و معامله گری

این است که تکیه نهادن ایشان بر اریکهٔ قدرت، پیامی به جز خلق تسلسل جنایت و فاجعه و آفرینش مصیبت و بیدادگری چیزی به ارمغان نداشته است. علاوه بران، تربیه و تریننگ سربازان و صاحب منصبان اردو در کشورهای استبدادی بر اساس نابخردی و بیباکی، حماقت و فرمانبری کورکورانه انجام می یابد. یعنی اقدام به قتل و کشتار مردم! و نمی دانند کی را می کُشند وچرا می کُشند و برای چه کسی می کُشند؟!.

هشتاد سال قبل علامه سید رشید رضا، در تفسیرش به این نکته با ذکاوت تمام اشاره می دارد: "حکام این زمان بوسیلهٔ سپاه و نیروی نظامی، که بر اطاعت کورکورانه پروریده شده اند، حمایت و پشتبانی می شوند؛ حتی اگر به ایشان فرمان داده شود تا مساجد را منهدم کنند و رهبری مورد اعتماد ملت را به قتل برسانند، از انجام آن دریغ نمی ورزند. حکام این زمان نیازی به رهبریت سالم احساس نمی نمایند، همه تلاش های ایشان در جهت کشاندن دستگاه رهبری و مردم به فساد خلاصه می گردد و یگانه مقربان دربار ایشان همان متملقین و چاپلوسان اند".

عده یی از کودتا گران با زشتی و وقاحت تمام بعد از انجام کودتا و غصب قدرت، و به منظور فریب مردم و گریز از پروسه های مشروع کوشیده اند به کودتا صبغهٔ مشروعیت بخشیده و به آن جلوهٔ دموکرتیک دهند، و انگار خود به حیث رهبر منتخب و مشروع در کشور عرض وجود نمایند. شیوهٔ که مکرراً در مصر و سوریه، عراق و الجزائر، موریتانیا و سودان و سومالیا و چاد به وقوع پیوسته است. بدینگونه، هرکودتاچی بخاطر تداوم قدرت خویش و به منظور بقاء در سلطه به هر وسیله و ابزاری دست یازیده، و با کاربرد تقلب و خدعه و مکر به حاکمیت خویش ادامه داده است. غاصبینی که در نخستین گام قدرت و حاکمیت را غصب، و در گام بعدی جز جنایت و بیدادگری درکشور و به حق مردم چیزی نیافریده اند!.

یگانه کودتای نظامی یی را میتوان پسندیده خواند، که در برابر کوتاگر قبلی بوقوع پیوندد. به شرط آنکه ادارهٔ کشور بعد از کودتا به رهبران منتخب مدنی در اقرب وقت ممکن تحویل یابد. این همان روشی بود که آقایان مارشال عبدالرحمن سوارالذهب در سودان و دگروال اعل ولد محمد فال در موریتانیا، انجام داد.

پایان

عراقي حکومت او ورته وړاندې نوي ګواښونه

☐ رفيق بحر

عراق د عربي نړۍ له هيوادونه څخه يو هغه هيواد وو چې د صدام حسين د سر زورۍ لامله د امريکا د غوسې ښکار او بالاخره له افغانستان وروسته، دغه هيواد هم د امريکا تر بريد لاندې راغی او عراقي مستبد واکمن (صدام حسين) د خپل ولس پر خلاف د پرله پسې ظلمونو په خپل منطقي انجام ورسيده. مګر عراقي ولس د امريکا له بريده او بيا يې له دغه هيواده له وتلو وروسته، په کورنيو جګړو کې ښکيل شو او د صدام حسين څخه پاتې متحد عراق په عملي توګه په دريو برخو ويشل شوی دی، چې يو يې د کردستان سيمه ده؛ چيرې چې کردي عراقيان د نيمه خپلواکۍ په نشه مست شوي دي او بله يې د عراق مرکزي سيمي دي؛ چې د عراقي صدراعظم «نوري المالکي» واکمني پکې په عملي توګه حاکمه ده او دريمه برخه د عراقي اهل تسنن سيمي دي. چې د بغداد وروسته ځينو مهمو ښارونو کې يې هميش جګړې رواني وي او تل د نوري المالکي حکومت ګواښي او د امريکا د وتلو وروسته د القاعده سازمان پيروان او هم ځينې نورې سني ډلګۍ پکې وخت ناوخته عمليات ترسره کوي او د اهل تشيع د لړکيو په وړاندې د اهل تسنن د اکثريت ښکارندويي کوي چې له همدې امله له دغه هيواد څخه د امريکايي پوځونو له وتلو وروسته ددې سيمې په ډيرو ښارونو هميش د دولت د مخالفينو لخوا درنې حملې ترسره کيږي او سږ کال دغه مقاومت نورهم پياوړي شوی دی.

پدې وروستيو کې د شام او عراق لپاره د اسلامي حکومت رامينځته کوونکو ډلو لخوا د فلوجه او الانبار د ځينو سيمو له نيولو وروسته، د مينوا سيمه او څو ورځې وړاندې له بغداد وروسته دوهم لمبر ډير ميشتي ښار موصل (چې دوه ميليونه نفوس لري) هم، ددغه فوځ لخوا ونيول شو او پدې ترتيب د عراق شيعه حکومت له نوو ګواښونو سره مخ شو؛ ځکه د الموصل ښار چې له بغداد څخه په سل کيلومترۍ کې واقع دی او هم له بغداد وروسته دوهم لمبر ډير نفوس لرونکي ښار دی او ترکيې ته د تيلو نل ليکه هم له همدې ښار څخه تيريږي. د عراقي حکومت لپاره يې سقوط، يو نوی ګوزار دی. او له بلې خوا له شام سره هم نږدې پوله لري، چې له همدې ځايه د سوريې او عراق دواړو هيوادونو واکمنۍ له ګواښونو سره مخ کيدای شي.

د الموصل والي «اصيل النجفي» له ښاره تښتيدلی او د نوري المالکي حکومت يې پدې تورن کړی چې د خپلو نظامي مسولينو مشورې نه مني، کوم کار چې المالکي هم دې ته اړ کړ چې د عراق په پارلمان غږ وکړي، څو په هيواد کې د بيړني حالت د اعلان منظوري ورکړي. او هم يې له نړيوالو او امريکې څخه غوښتي چې په عراق کې د تندلارو اورپکو مخنيوی وکړي او د عراق حکومت وژغوري؛ پداسې حال کې چې دغه بريدونه او بدلونونه د عراق کورنۍ موضوع ده او ښکاره ده چې د اکثريت مخالف حکومت هيڅکله هم دوام نه مومي؛ ځکه په عراق کې د نوري المالکي واکمني چې په نړۍ کې د امريکا د پاليسۍ يو مظهر دی؛ چې تل غواړي په اکثريت باندې د اقليت حکومت رامينځته کړي، څو نا امنۍ او نا قرارۍ پاتې اوسي.

له دغه ښار څخه له پنځو لکو څخه زيات وګړي خپلو سيمو پريښودلو ته اړ شوي دي او ګاونډيو سيمو ته يې پناه وړې ده، کوم کار چې د ملګرو ملتونو لپاره هم يو بل ناورين راټوکولی.

د عراق اوسنۍ وضع يوازې د نوري المالکي د واکمنۍ انجام ندی؛ بلکې په وروستيو کې د بشارالاسد لخوا د تاکنو ترسره کيدل او ځانته د يو قانوني ولسمشر نوم ورکول پکې نيغ په نيغه آغيزه لري؛ ځکه په زور کلي کول همداسې پايلې لري؛ چيرې چې ولسونه د خپلې عقيدې او ګروهې خلاف واکمنۍ منلو ته اړ کيږي نو بيا يې همداسې پايلې رامينځته کيږي؛ ولې چې اوبه هرکله يو لورې ته ډب کړای شي نو خامخا ځانته لیار پرانيزي؛ د عراق او سوريې ولسونه له ورته حالت سره مخ شوي دي او لامله يې دي ته اړ شوي دي چې د خپلو سرونو په بيه دغسې انقلابونه او بدلونونه رامينځته کړي.

که چيرې د مصر، سوريې او عراق ولس دښمنه رژيمونه، خپل تاريخي رسالت او دغه نزاکت درک نکړي او تر شايې ولاړ زبر ځواکونه ددغو ولسونو ستونزو ته ريښتونې ليد ونلري. نو دا هم ليرې نده چې په سيمه کې يو بل عربي پسرلی راوټوکيږي او د سيمې لپاره يو ستر ګواښ جوړ کړي چې بيا به يې د ملګرو ملتونو د مهاجرت نړيوال سازمان ته هم پالنه ګرانه وي؛ ځکه دغه ولسونه خو د پرديو لاسپوڅو واکمنانو او تر شا يې مکار لويديځ او په ځانګړې توګه امريکا په وړاندې د خپلواکۍ مبارزې ته اړ دي او غواړي خپل ځانونه له تحميلي واکمنانو او لاسپوڅو قيادتونو څخه وژغوري.

حملات انتحاری به یک مرکز لوژستیکی در شرق کشور خسارات مالی داشت

○ اندیشه

مسؤولان محلی در ولایت ننگرهار روز پنجشنبه ۲۹ جوزا از حملۀ مهاجمان انتحاری به یک پایگاه تدارکاتی نیروهای ناتو و انهدام تجهیزات متعلق به این نیروها خبر داده‌اند.

احمدضیا عبدالزی سخنگوی والی ننگرهار در تماس با رسانه ها گفت:این رویداد روز پنجشنبه حوالی ساعت چهار و نیم بامداد به وقت محلی اتفاق افتاد که یک گروه سه نفری مهاجمان انتحاری با اسلحه سبک و سنگین به یک مرکز وابسته به تجهیزات اکمالاتی ناتو حمله کردند. به گفته سخنگوی والی ننگرهار، در این حمله سی و هشت دستگاه تانکر سوخت منهدم شده است.

این رویداد در شهرک مرزی تورخم ننگرهار در نزدیکی مرز افغانستان و پاکستان روی داده است. مرزهای افغانستان با پاکستان در جنوب و جنوب شرق افغانستان از نا امن ترین نقاط مرزی دو کشور به شمار می‌آید. گروه طالبان و دیگر شورشیان در امتداد این مرزها فعالیت و نفوذ دارند.

آقای عبدالزی گفته است که مهاجمان به جلیقه های انتحاری ملبس بودند و حمله خود را ابتدا با شلیک کلاشنیکوف، موشک و نارنجک انداز آغاز کردند.

سخنگوی والی ننگرهار می‌گوید که برای مقابله با مهاجمان، نیروهای پولیس ملی به محل رویداد اعزام شدند و این حمله پس از حدود یک ساعت و نیم درگیری میان مهاجمان و سربازان پلیس پایان یافت.

دست کم سی و هشت دستگاه تانکر سوخت ناتو در این رویداد سوخته است. سه حمله کنندۀ انتحاری در این رویداد کشته شدند، اما به نیروهای امنیتی آسیبی نرسیده است. پولیس مرزی هم که در این عملیات شرکت داشته گفته است که دو نفر از مهاجمان قبل از وارد شدن به این محل در اثر شلیک ماموران امنیتی از پای درآمدند



ولی مهاجم سومی موفق شده که وارد مرکز شود.

در همین حال حسین مشرقی‌وال فرمانده پولیس ننگرهار گفت: مرکزی که هدف حمله مهاجمان قرار گرفته متعلق به یک شرکت خصوصی است که وظیفه حمل و نقل وسایل تدارکاتی نیروهای ناتو را به عهده دارد .او گفت که این مرکز زیر نظر معینت محافظت عامه وزارت امور داخله قرار داشت.

گروه طالبان مسئولیت این حمله را برعهده گرفته و با ارسال خبرنامۀ برای رسانه ها گفته است که هدف این حمله، یک پایگاه نظامی آمریکایی بوده که برای نیروهای آمریکایی در افغانستان تجهیزات نظامی می ساخت.

ولایت ننگرهار در شرق با پاکستان مرز مشترک دارد و از ولایت های نسبتاً نا امن نزدیک به پایتخت است. مخالفان مسلح دولت هر از گاهی به هدف هایی در این ولایت حمله می کنند.

حمله به تانکرها و مراکز سوخت رسانی متعلق به ناتو بدون سابقه نیست و در سال های گذشته، مهاجمان مسلح بارها تانکرهای حامل سوخت برای ناتو را در مسیر انتقال سوخت از مسیر پاکستان به افغانستان هدف حمله قرار داده اند.

از سر گرفتن بحران در ...

را از طریق تقلب و تخلف به قدرت برسانند. همین اکنون در مطبوعات و شبکه های مجازی داخل و خارج کشور سخنانی به نفع نامزد مشخص گفته می شود تا افکار عامه را به نفع شخص مورد نظر آماده سازند. در حالی که اعلان نتایج از وظیفه کمیسیون مستقل انتخابات می باشد، اما در نشستی که احمد ضیا مسعود در شهر کابل داشته است این پیروزی را به نفع کاندید مورد نظر خود به دیگران مبارک باد می گوید و به دیگران به شیوه پدرانه توصیه می نماید که نتیجه انتخابات را بپذیرند، در حالیکه این شخص هیچ گونه فهم سیاسی، علمی و فرهنگی نداشته و ندارد. موصوف اعتراضات مدنی را از جمله روش های غیر معقول می داند و به نظر وی مردم باید با چشم بسته به کاندید مورد نظر ارگ تسلیم شوند، ورنه به سزای سختی مواجه خواهند گردید. این سخنان توهین به رهبران بزرگ جهاد و مقاومت و رزمنده گان آزادی در افغانستان است. سخن گفتن بدون مسوولیت از ویژه گی های مردم کشور ماست. بدون شک رئیس جمهوری که بدون آرای پاک به کرسی ریاست جمهوری تکیه بزند فقط برای مردم افغانستان خشونت خواهد کشت که نتیجه اش سر کوب، ارعاب و بحران سیاسی در کشور خواهد بود. امروز افغانستان به سوی بحران در حرکت است. فقط همه روزه مردم منطق زور را می شناسند، گویا مردم با استبداد و غلامی عادت کرده اند. اگر مردم افغانستان چنین غلامی را می پذیرفتند، سال ها قبل آن را تجربه می نمودند. عدم توجه و رعایت خواسته های معقول کاندیدای پیشتاز دوره اول ریاست جمهوری کار را به بحران خواهد کشاند و مسوول آن کسانی خواهد بود که بر این آتش هیزم فراهم می نمایند. حکومت افغانستان و کمیسیون مستقل انتخابات تا اکنون هیچ یک از خواسته های کاندیدای پیشتاز را نپذیرفته است که این یک نوع زور گویی و تمامیت خواهی بر سرنوشت افغانستان است. دیگر آن سلاح را زنگار گرفته است که زبان زور و استبداد سرنوشت مردم را تعیین نماید. امروز در دستگاه دولت و کمیسیون انتخابات یک نوع فعالیت ها و برنامه ریزی ها وجود دارد که با تمام دیده درایی کاندید مورد نظر را پیروز نمایند. در صورتی که چنین برنامه ریزی پیروز گردد تمام رشته هایی که در ظرف ۱۳ سال در افغانستان بافته شده است به پنبه تبدیل خواهد شد. هنوز در دستگاه دولت، بعد از سیزده سال، افکار مردم تخدیر می شود و هنوز جو سازی سیاسی در کشور وجود دارد.

تقلب در انتخابات در حقیقت جلوگیری از اراده مردم است. به جای اینکه در این انتخابات در میان اقوام بافت اجتماعی محکم بوجود بیآید، بر افتراق اقوام دامن زده می شود. گفته می شود که آقای کرزی تلاش دارد تا انتخابات را به بحران بکشاند تا خود در این میان به اهداف خود نایل گردد. آنچه که در دور دوم انتخابات بسیار خطرناک و قابل لمس است همان ذهنیت قبیله یی و تمامیت خواهی است. در صورتی که به خواسته های معقول مردم رسیده گی نشود کشور شاهد بحران عمیقی خواهد بود و نمی شود حقوق مردم را با توصیه های اخلاقی از میان برداشت و مردم را به غلامی تشویق کرد. این مردم افغانستان بودند که بخاطر آزادی سال ها رزمیدند و وجدان مردم هنوز زنده است تا از حقوق خود به شکل اعتراض مدنی دفاع نمایند.

ملوکیت او غوره حکومتولی او...

اول: د قیادت او استازیو په ټاکنه او نورو بر خلیک ټاکونکو مسایلوکی د خلکو ګډون:

یعنی د ولس د رایو پوښتنه او پدی لړ کی د هغوی ګډون د غوره واکمنی او ښه حاکمیت د بنیاد حیثیت لری، چې نیغ په نیغه توګه او یا هم د خپلو استازیو له لارې یې تمثیلوي او پدې توګه ولس، حکومت او د هغې کړنې خپلی کړنې ګڼي او پرې باور کوي او د خپلو اقتصادي سیاسي، فرهنګي او ټولنیزو امورو د سمون په منظور خپل نظرونه او وړاندیزونه د واکمنانو غوږونو ته رسوي او هغوی هم د ولس د خوښې ور پروګرامونه ترتیبوي.

دوهم: د ولس د منل شوو ارزښتونو، معتقداتو او کلتور سره سم، پلانونه او پروګرامو جوړول او د ولس د معنوي تندې په نظر کې نیولو سره د هغوی تطبیق او پلي کولو هڅې.

دریم: د خپلو پروګرامونو او پلانونو د طرحی او تطبیق په پړاوونوکی د دولتی رسنیو له لیاری درست معلومات ورکول او دلګښتونو په هکله شفاف حساب ورکول او هم د ولس استازی. پدې هلکه په جریان کې ساتل او دهغوی د نیوکو او وړاندیزونو په وړاندې پروخت ځواب ویل او مسوولیت منل؛ ځکه واکمنان د ولس په نماینده ګی د هغوی د شتمنیو د لګولو او ورته د پروګرامونو برابرولو دنده په غاړه لري. نو باید چې د حساب ورکوني شفافیت «روڼوالی» او د دغه نبوی ارشاد له مخی چې فرمایی: «الا کلکم راع و کلکم مسوول عن رعیته» ژباړه: خبر اوسی، چې تاسو ټول لکه شپانه «د رمو ساتونکي» یاست، هر یو مو د خپلو پیروانو په اړه مسوولیت لري.

څلورم: عدالت او فعالیت: د غوره حکومتولي یوبل بنیادی اصل د خلکو په دندو باندې له ګمارلو نیولې ترمکافاتو او مجازاتو پوری او هم د بودیجې د تصویبولو او لګښتونو پر مهال د متوازنو خدمتونو په وړاندې کولو سره د عدالت او برابری، تطبیق او د خپلو کارونو په انجامولو او خدمتونو وړاندې کولو کی له جدیت او فعالیت څخه کار اخیستل.

پنځم: د قانون برلاسي او حاکمیت: د غوره حکومتولی او ښه حاکمیت بل اصل او بنیادي ځانګړتیا دا ده چې قانون پکې بر لاسی او حاکم اوسي، یعنې د وګړو د حقونو او واجباتو ټاکنه پکې د عادلانه او مؤثر قانون جوړونې له لیارې صورت ومومی او باید د ولس په ټولو پرګنو او توکمونو په پوره ناپیتلوب سره، پلی او تطبیق شي، چې د ولس هیڅ یوه پرګنه ځان پردی او دوهم درجه ولس و نه ګڼي او لکه چې په اسلام کې خلک د احکامو او عباداتو په التزام کې برابر مسوولیت لري، په همدې توګه د قانون په وړاندې هم، ټول برابر مسوولیت لرې او لکه چې د اسلام د راشده خلافت د دورې دوهم خلیفه حضرت عمر په خپل یو لیک کې د یمن والی «ابوموسی اشعری» ته داسی د ستور ورکړی وو، چې: «د خلکو په مینځ کی برابري مراعات کړه، له هغو کسانو سره چې تاته مراجعه کوي، عادلانه چلند وکړه، په ناسته ولاړه او هغوی ته په نظر کولو کې مساوات له لاسه مه ورکوه. څو د ټولنی با نفوذه او اشراف خلک ستا د عدالت تر پښو کولو طمع پیدانکړي او د ولس کمزوري طبقه دی له انصاف او عدالت څخه مایوسه نشي، او همدغي اصل له امله د قاضي په وړاندې پخپله خلیفه د مدعی علیه سره برابر ودریده.

هفته نامهٔ

وآنان که در راه ما با جان ومال جهادکردند محققاً آنان را به راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است

قرآن کریم

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

شعار ما

رضای خداوند(ج) هدف ما
حضرت محمد(ص) رهبر ما
قرآن قانون ما
جهاد راه ما
شهادت در راه خدا
از عالی ترین آرزوهای ماست

دور ششم –سال سیزدهم – شمارهٔ یازدهم ۳۱ جوزای ۱۳۹۳ ۲۲ شعبان المعظم ۱۴۳۵ 21 June 2014

برای بی اعتمادی و جنجال های انتخابات رای حل پیدا شود

تیفا بنیاد انتخابات شفاف افغانستان در رابطه به انتخابات، گفته است که در دور دوم انتخابات ریاست جمهوری میزان تقلب نسبت به دور اول بیشتر بوده است. این نهاد طی گزارشی یافته های خود را با مردم شریک ساخته و تصریح کرده است که میزان اشتراک کنندگان نسبت به دول نخست کمتر بوده و نزدیک به شش میلیون نفر می رسد. این نهاد نگرانی خود را نسبت به جنجال هایی انتخاباتی بیان نموده و گفته است اگرجنجال های انتخاباتی در کشور ادامه یابد، ممکن نتیجه انتخابات با بن بست مواجه گردد.

مسوولان این نهاد گفته اند، حکومت افغانستان به خصوص کمیسیون مستقل انتخابات باید تلاش کند تا این مشکل را هر چی زودتر حل کند.

محمد نعیم ایوب زاده رئیس بنیاد انتخابات شفاف افغانستان روز پنجشنبه در نشستی در کابل گفت، این موضوع مردم را سخت نگران ساخته که مبادا آرای آنان قربانی معاملات سیاسی شود.

آقای ایوب زاده گفت، اکنون آقای عبدالله رابطه اش با کمیسیون انتخابات به حالت تعلیق درآورده و از سوی دیگر کمیسیون انتخابات به فعالیت های اش ادامه میدهد، به گفته وی به این اساس راه حل اساسی معلوم نیست و از آینده نگران است.



داکتر عبدالله عبدالله چهارشنبه در یک نشست خبری در کابل گفت، دیگر اعتمادی نسبت به کمیسیون های انتخاباتی ندارد. پس از آن که کمیسیون در غیاب نمایندگان نظارتی تیم اصلاحات و همگرایی به شمارش آرا ادامه دادند باز هم داکتر عبدالله تأکید کرد که هر نوع نتیجه خروجی از روند کار کمیسسیون برای این تیم قابل قبول نیست و از نظر ما مشروعیت ندارد.



گزینش اعضای شورای اجرائیهٔ اتحادیهٔ ملی ژورنالیستان افغانستان از طریق انتخابات در بیست سال اخیر

در نشست شورای عالی اتحادیهٔ ملی ژورنالیستان که در یکی از سالون های مرکز رسانه های حکومت برگزار شده بود، مسؤولان بخش های مختلف این اتحادیه انتخاب شدند. بر مبنای احکام اساسنامهٔ این اتحادیه، مسؤولان اجرایی اتحادیه از میان اعضای شورای عالی این نهاد، انتخاب می شود.در سنبلهٔ سال گذشته، مجمع عمومی اتحادیهٔ ملی ژورنالیستان افغانستان با حضور ۳۰۰ تن از اعضای این اتحادیه از کابل و ولایات برگزار شده بود که در آن ۳۴ تن، به عنوان اعضای شورای عالی این اتحادیه، انتخاب شدند.بر مبنای اساسنامهٔ اتحادیه، مسؤولان دفاتر ولایتی و ده تن از موسسین اتحادیه نیز به صورت خودکار، عضوی شورای عالی می شوند.در نشست امروز شورای عالی، ۵۶ تن از اعضای این شورا که ۲۵ تن آنان از ولایات نماینده گی می کردند، حضور داشتند. در این نشست، رئیس عمومی، رئیس اجرایی، معاونان ریاست اجرائیه و مسؤولان بخش های امور اعضای حقوقی، امور ولایت، روابط بین المللی، آموزشی، نشرات و سخنگوی اتحادیه، با این شرح انتخاب شدند:

- عبدالحمید مبارز، رئیس عمومی؛
- محمد فهیم دشتی، رئیس اجرائیه؛
- نجیبه ایوبی، معاون مسلکی؛
- مسرزا محمد کرامت، معاون مسلکی؛
- احمد تسل، سخنگوی؛
- محمد عبدالله، مدیر امورحقوقی؛
- عبدالدیان احمدی، مدیر امور ولایات؛
- احمد شعیب فنا، مدیر امور اعضا؛
- باری سلام، مدیر روابط بین المللی؛
- علی رضا محبی، مدیر امور آموزشی و
- محمد طاهر محمدی یکاولنگی، مدیر نشرات.

در این نشست، همچنان روی چگونه گی احیا و یا آغاز فعالیت دفاتر ولایتی اتحادیهٔ ملی ژورنالیستان افغانستان و گسترش فعالیت های این اتحادیه به ولایت هایی که تا هنوز، این اتحادیه، فعالیت ندارد، بحث هایی صورت گرفته و تصامیمی اتخاذ شد.

در حال حاضر اتحادیهٔ ملی ژورنالیستان افغانستان در ۲۸ ولایت فعالیت دارد و قرار است این فعالیت ها در آیندهٔ نزدیک به ۳۴ ولایت گسترش یابد.

استراتیژی دوسالهٔ اتحادیهٔ ملی ژورنالیستان افغانستان که قبلاً از سوی شورای اجرائیهٔ این اتحادیه، آماده شده بود، نیز در نشست شورای عالی مورد بحث قرار گرفت.

یکی دیگر از تصامیم نشست امروز، آغاز طرح برگزاری انتخابات میان اعضای این اتحادیه در هر ولایت با هدف انتخاب مسؤولان ولایتی اتحادیه بود. قرار است از پایان ماه رمضان امسال، این طرح قدم به قدم در ولایت های مختلف به اجرا در آید. با اجرایی کردن این طرح، این نخستین بار خواهد بود که در تاریخ ۳۴ سالهٔ فعالیت این اتحادیه، مسؤولان ولایتی آن، به صورت انتخابی، تعیین می شوند.نشست شورای عالی اتحادیهٔ ملی ژورنالیستان افغانستان با حمایت مالی و تخنیکی، بنیاد آلمانی "فریدیش ایبرت" برگزار شد.

نامهٔ وارده

نصب میترهای برقی دیجیتل به زیان مردم است حکومت آینده به آن توجه نماید

عبدالحی مرام

از مدتی است که شرکت برشنا که بحیث تصدی دولتی فعالیت دارد، کار های آن بیشتر به ضرر شهروندان کابل تمام می گردد و تامین عدالت اجتماعی، وضع اقتصادی ۹۸ درصد مردم ما در نصب میترهای دیجیتلی ساخت چین و اخذ محصول برقی و مالیه در نظرگرفته نشده و نمی شود که این کار برخلاف احکام مندرج قانون اساسی کشور و برخلاف احکام قران کریم، پیرامون تامین عدالت اجتماعی و رفاه جامعهٔ جنگ زده و ویران و مردم فقیر و محتاج آن می باشد!

تا جایی که دیده شده است، شرکت برق جبراً میترهای ساخت روسی و جرمنی را از خانه های شهروندان کابل می بردارند و به جای آن میترهای یاد شده را نصب می کنند، که هزینهٔ ربع وار برق را نسبت به میترهای قبلی سه و حتی پنج برابر نشان می دهد، که این شیوهٔ کار شرکت یادشده جبری بوده و برای اکثریت ۹۸ فیصد شهروندان کابل طاقت فرسا و کمرشکن می باشد؛ زیرا، این اکثریت مردم ما بیکار، خانه بدوش، غریبکار هستند و یا هم کارمندان دولتی اند که مدرک و معاش شان همان پولی است که طور « جیره » و بخور و نمیر از سوی دولت جمهوری اسلامی افغانستان و بانک جهانی کشورهای سرمایه داری و سودخور داده می شود که " این معاش از دو هزار تا پنج هزار افغانی بیشتر نبوده است و تنها وزرا، وکیل ها، معین ها و ریس ها اند که معاش دالری به شیوه ها و بهانه های به نام کدری، تخصصی از غرب آمده و بی خبر از حالت وضع اقتصادی جامعهٔ مصرفی و جنگ زده و مردم گرسنه، فقیر، بیکار و، بیمار و حتا خیرات خور و آوارهٔ آن هستند و قضاوت و دیدگاه شان از نظام های استثمارگر و ظالم می باشد و تنها این ها بودند که میلیارد ها دالرکمک های جهانی را غارت کردند و برای ۹۸ درصد مردم افغانستان، بدنامی و جامعه وکشورما را بد نام و فاسد معرفی کردند و خودشان باکمال زورگویی، تمرد از قانون اساسی، محصول برق و مالیه را نپرداخته، بلکه با اخذ رشوه، کلاه برداری و معامله های نا مشروع و ضد ملی و ضد منافع ۹۸ درصد مردم ما در قراردادهای سرک سازی، پل سازی، بلند منزل و شهرک سازی و غصب میلیون ها هکتار زمین مبادرت ورزیده و میلیاردها دالر را یا هوتل های بی رویه ساخته و یا به بانک های خارج از کشور بسود اربابان و ولی نعمت های خود انتقال دادند که موجودیت بیش از چهار هزار انجیوی داخلی و خارجی و فهرست و پروندهٔ صدها تن از این آقایان در اداره های دادستان کل، ادارهٔ فساد و ارتشاء، بیانگر روشنی و این دزدی های چراغ بدستان بیگانه صفت می باشد!

ما در مقدمهٔ قانون اساسی خویش که در مورد چگونگی تسوید و تصویب قانون اساسی از نام "مردم افغانستان" گفته شده است چنین می خوانیم «...... به منظور تامین زنده گی مرفه و محیط زیست سالم برای همهٔ ساکنان این سرزمین » و هم چنان دمادهٔ ششم قانون اساسی ما تسجیل یافته است که: دو دولت به ایجاد یک جامعهٔ مرفه و مترقی بر اساس عدالت اجتماعی، حفظ کرامت انسانی، حمایت حقوق بشر، تحقق و دموکراسی تامین وحدت ملی، برابری بین همه اقوام و قبایل و انکشاف متوازن در همه مناطق کشور مکلف می باشد؛ و در مادهٔ چهل و دوم مکلفیت هر شهروند افغانستان را مبنی بر پرداخت و تادیهٔ محصول و مالیه، مساله ی عدالت اجتماعی را تاکید می دارد طوریکه در یکی از پاراگراف های آن می خوانیم : «اندازهٔ مالیه و محصول و طرز تادیهٔ آن با رعایت عدالت اجتماعی توسط قانون تعیین می گردد.» حالا پرسش به عمل می آید که نصب میترهای دیجیتلی ساخت چین که محصول برق را چندین برابر بالای ۹۸ درصد شهروند ما تحمیل می نماید، آیا مخالف احکام و مغایر اصول عدالت اجتماعی و در تضاد با مواد مندرج قانون اساسی ما نیست. و در کدام حکم شریعت اسلام و احکام قانون اساسی و یا اعلامیه های منشور ملل متحد درج شده است که وزیرها، معین ها و رئیس ها، انجیو ها، شرکت ها و کمپنی ها میلیون ها دالر محصول برق و مالیه را نپردازند و خزینهٔ بیت المال را خالی کنند تا جایی که بانک ها در فهرست سیاه قرار گیرد و زیان آن به توده های میلیونی و فقیر جامعه برسد؟ و ازین ۹۸ درصد مردم ما محصول برق با حیله های خیلی مردم فریبانه به نام بلند بردن عواید تصدی برشنا، بزور بستاند و میترهای سابقه، سالم و خیلی عیار آن را بکَنند و به تحویل خانه ها جهت زنگ زدن بیاندازند؛ این درحالتیست که این شرکت یا تصدی و انجیوهای یادشده را وزرای مالیهٔ کشور ایجاد کرده اند و کمر مردم افغانستان را شکستاندند و گراف آواره گی، دربدری، فقر و گرسنگی را خیلی بلند بردند!

بهر صورت، نصب میترهای دیجیتلی را کاملاً به زیان شهروندان می دانیم و حکومت آینده توقع داریم به این خلاف ورزی ها و نصب میتر های یاد شده، پایان داده شود.